

ضرورت توجه به دست‌نویس‌های شبه‌قاره در حوزه علوم با تکیه بر دو حوزه ریاضیات و نجوم*

احمد رضا رحیمی‌ریسه**

چکیده

به چند دلیل باید به دست‌نویس‌های ریاضی و نجومی شبه‌قاره توجه کرد: نخست آن‌که دست‌نویس‌های علمی شبه‌قاره - همچون دست‌نویس‌های علمی دیگر کشورها - به مراتب کمتر از دست‌نویس‌های دینی و ادبی مورد توجه بوده‌اند. دوم آن‌که با بررسی دست‌نویس‌های علمی شبه‌قاره نوعی مشارکت تمدن‌های کهن این منطقه در سیر تحول علوم یافت می‌شود و نشانه‌هایی از آن، به‌ویژه در حوزه ریاضیات (حساب هندی) و نجوم، به چشم می‌خورد. از سوی دیگر با استفاده از دست‌نویس‌های علمی شبه‌قاره می‌توان بسیاری از متن‌های ناشناخته و یا ناقص را شناخت و تکمیل کرد و از این راه سیر تحول علوم ریاضی و نجومی را بررسی کرد. همچنین باید یادآوری کرد که در تصحیح انتقادی بسیاری از متون علمی، از دست‌نویس‌های شبه‌قاره - به سبب دشواری دسترسی به آن‌ها - استفاده نشده است. در این مقاله سعی شده است تا با ارائه نمونه‌هایی، موارد پیش‌گفته بررسی شود. در

*. مقاله‌ای است که در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۸۳ ه. ش در «نخستین سمینار احیای متون فارسی در شبه‌قاره» در اسلام‌آباد پاکستان خوانده شد.

Email: fehrestgan_info@yahoo.com

** پژوهشگر مباحث نسخه‌پژوهی.

انتهای مقاله گزارش آماری کوتاه اما جامعی در باره شمار دست‌نویس‌های فارسی و عربی، هم‌چنین وضعیت فهرست‌نویسی و فهرست‌های منتشر شده در شبه‌قاره آمده است.

کلیدواژه: دست‌نویس، شبه‌قاره، ریاضیات، نجوم.

شبه‌قاره هند و پاکستان - در کنار حوزه‌های تمدنی یونان باستان، مصر باستان و بین‌النهرین - از مهم‌ترین و با سابقه‌ترین مراکز علمی جهان به‌شمار می‌رود. سهم این منطقه جغرافیایی در پیدایش و شکل‌گیری علوم، از دیرباز مورد بحث و مناقشه‌های علمی فراوان بوده است. مورخان برجسته علوم همچون جورج سارتن در کتاب‌های تاریخ علم و مقدمه‌ای بر تاریخ علم در این باره سخن گفته‌اند. در دهه‌های اخیر دیوید بینگری مورخ کم‌نظیر علوم اسلامی و هندی، تمام تلاش خود را برای کشف و بازسازی نظام ریاضی - نجومی هندی به کار گرفته و مقالات و آثار متعددی در این باره منتشر کرده است. هم‌چنین فؤاد سزگین در کتاب خود تاریخ نگارش‌های عربی، جلد ۳ (پزشکی - جانورشناسی)، جلد ۴ (کیمیا - گیاه‌شناسی)، جلد ۵ (ریاضیات)، جلد ۶ (نجوم) و جلد ۷ (احکام نجوم) فصل ویژه‌ای را به منابع هندی علوم اسلامی اختصاص داده است. در این جا تنها به چند نکته اساسی در باره انتقال علوم هندی به دنیای مسلمانان اشاره می‌کنم.

۱. مشارکت تمدن‌های کهن شبه‌قاره در سیر تحول علوم

از مراکز بسیار مهم در شبه‌قاره منطقه زیبای سِند است. این منطقه از هزاره سوم پیش از میلاد تا حدود ۱۵۰۰ پیش از میلاد مهد تمدن، علم و فرهنگ بوده است و حتی شماری از محققان بر این قول متفقند که این حوزه خاستگاه تمدن هند نیز بوده است. کشف این تمدن مرهون تلاش‌هایی است که از ۱۹۲۲ میلادی به بعد در شمال غربی ناحیه سِند یعنی مُونِجُو دارو (mohenjo-daro) و در هاراپا (پنجاب مرکزی) انجام شده است. گرچه این تمدن در میانه‌های هزاره دوم پیش از میلاد، احتمالاً بر اثر هجوم آریایی‌ها - از بین رفته است، اما آثار علمی و معنوی بر جای مانده از آن در تمدن اسلامی بسیار چشمگیر است.

وُبکه و اشتاین اشنایدر - دو دانشمند آلمانی سده نوزدهم میلادی - نخستین کسانی

بودند که - بر اساس منابع عربی و عبری - به این مسأله اشاره کردند که در زمان خلیفه منصور و در سال ۱۵۴ میلادی، هیأتی از دانشمندان سِنْدی به نزد خلیفه آمده و یا توسط او بر بغداد فرا خوانده شده‌اند. در بین این هیأت، فردی بود که در منابع اسلامی از او به کَنگَه یاد می‌کنند. منصور، کَنگَه را - که به نجوم هندی مسلط بود - مأمور کرد تا گزیده‌ای از کتاب سدهائته برای برخی از منجمان دربار املا کند و پس از آن دستور به ترجمه آن کتاب داد. فزاری ریاضی‌دان، بر اساس آن ترجمه زیجی فراهم آورد که به زیج «سِنْدِهِنْد» معروف شده و تا زمان خلیفه مأمون عباسی که زیج بطلمیوسی ارائه شد رواج داشت. بر اساس برخی منابع، کَنگَه اعداد اصلی (یعنی اعداد نه گانه) که در میان غربیان به غلط به اعداد عربی مشهور شده است و سیستم ددهمی (اعشاری) را نیز به عرب‌ها آموخته است.

شرح این ماجرای فراخوانی را از زبان ابن عزرا می‌شنویم.

مقدمتاً عرض کنم که ابوریحان بیرونی کتابی داشته است با عنوان علل زیج الخوارزمی. اصل این کتاب متأسفانه از بین رفته است، اما ترجمه عبری آن بر جای مانده است. ابن عزرا، دانشمند یهودی اندلسی سده ششم هجری این کتاب را به عبری ترجمه کرده و مقدمه‌ای نیز باز به عبری بر آن نگاشته است. اشتاین‌اشنایدر آلمانی بخشی از این مقدمه را به آلمانی ترجمه کرده و در مجله انجمن خاورشناسان آلمان (ZDMG)، سال ۲۴ / ۱۸۷۰ م / ص ۳۵۳ تا ۳۵۹ به چاپ رسانده است. ابن عزرا، در این مقدمه، این ماجرا را چنین شرح می‌دهد:

... تا آن‌که این پرسش برای پادشاه بزرگ، اسماعیل ملقب به السَّقَّاح، که شنیده بود در هند علوم بسیاری وجود دارد، پیش آمد. پس فرمان داد که حکیمی (دانشمندی) را بیابند که زبان هندی و عبری را بداند، به گونه‌ای که برای او کتاب‌های دانشمندان را ترجمه کند؛ زیرا فکر می‌کرد که ممکن است برای او (مترجم) حادثه‌ای پیش آید ... زمانی که او (خلیفه) دید که کتاب (یعنی کتاب کلیله و دمنه) کتابی بسیار عالی از نظر مطالب است - همان‌گونه که در واقع هم هست - مشتاق آن شد که علوم (هندیان؟) را بر اساس نگرش (?) خود فراگیرد. از این رو ثروتی فراوان به آن یهودی که کتاب مذکور را ترجمه کرده بود، بخشید تا به شهر اُجین بیاید، این شهر پایین‌تر از خط استوا بود، ... تا شاید موفق شود یکی از دانشمندان آن شهر را برای پادشاه همراه آورد. یهودی رفت و حبله‌های بسیار به کار بست تا آن‌که یکی از دانشمندان اُجین را با مبلغ بسیار زیادی راضی

کرد تا به نزد پادشاه بیاید، البته قول داده بود که دانشمند را فقط یک سال نگه دارد و سپس اجازه بازگشت او را به موطنش بدهد. بر این اساس آن دانشمند را به نزد پادشاه آوردند، نامش کَنکَه بود و به اسماعیلیان اصول اعداد را که نُه نشانه بود آموخت. سپس یهودی، که زبان اسماعیلیان را می دانست، آن چه را که آن دانشمند می گفت ترجمه می کرد، این یهودی نامش یعقوب بن شَرَح (طارق؟) بود و کتاب جداول سیارات هفت گانه و کلّ زمین، مطالع، میل طالع و درجه صعود مکان منازل، آگاهی از کواکب علوی و کسوف و خسوف را ترجمه کرد. اما در آن کتاب دلایل تمامی این امور نیامده است و فقط حقایقی به شیوه سنتی مطرح گردید و آن هم در واقع بر اساس حرکت میانی سیارات بر اساس محاسبات هندیان بود که چرخه و دور [سال های خود را] هازروان می گفتند، یعنی ۴۳۲۰۰۰ سال...^۱

از طرف دیگر باید بر نقش میانجی نوشته های فارسی میانه در این زمینه تأکید کنیم. این نقش را دو دانشمند امریکایی یعنی کِنْدی و دیوید پینگری تشریح کرده اند. اگر خلیفه منصور دانشمندانی را از سرزمین سِند و هند به دربار خود فرامی خواند، این مسأله نشانگر آن است که او با نجوم و ریاضیات هندی آشناست. عرب ها با چند اثر هندی از جمله سدهانته از طریق ترجمه های پهلوی آن ها و یا نقل های انجام شده در آثار پهلوی آشنا بودند.

شماری از برجسته ترین ریاضی دانان و منجمان هندی پیش از اسلام و یا معاصر با اسلام - که آثار آنان به عربی ترجمه شده و یا ریاضی دانان مسلمان از آنان نقل کرده اند عبارتند از:

۱. آریهَطَه (زنده در ۴۹۹ میلادی)
 ۲. پَکولِسَه (زنده در سده چهارم میلادی)
 ۳. وَرَاهَمَهَرَه (زنده در نیمه نخست سده ششم میلادی)
 ۴. سیاوَبَلَه کشمیری که زمان او نامشخص است ولی بیرونی از او نقل می کند.
 ۵. کَنکَه که تا زمان هارون زیست و از دانشمندان دربار او بود.
- هم چنین دو عامل دیگر نشانگر تأثیر ریاضیات و نجوم هندی و سِنْدی است. نخست نقل قول های متعدد ابوریحان بیرونی و دیگر دانشمندان از کتاب های هندی و سِنْدی است. مثلاً بیرونی در افراد المقال در ۶ جا، در تحقیق ماللهند در ۱۳ جا و در تمهید المستقر در یک جا از السندهند نقل می کند.

عامل دوم آن که لفظ هِنْد، سِنْدَهِنْد و الهِنْدی در عنوان کتاب‌های متعدّد ریاضی و نجوم آمده است. براساس استقصائی که انجام داده‌ام، این الفاظ فقط در عنوان کتاب‌های ۵ سده نخست هجری نزدیک به یکصد بار به کار رفته است. نمونه‌وار به چند مورد اشاره می‌کنم:

- الزیج المعلول من السّندهند، از یعقوب بن طارق (ح ۱۷۰هـ)
- زیج السندهند، از ابوالقاسم عبدالله بن أماجور (اوایل سده چهارم هجری)
- تذکرة فی الحساب بأرقام السندهند، از ابوریحان بیرونی (د: ۴۴۰هـ)
- ترجمة ما فی براهم سدهانه من طرق الحساب، از همو.

II. توجّه کم‌تر به دست‌نویس‌های علمی

از دیگر دلایل لزوم پرداختن به دست‌نویس‌های علمی این است که «میراث علمی به اندازه میراث دینی و ادبی خوش اقبال نبوده است. نهادها و مراکز آموزشی دینی دانشمندی را پرورانده و فارغ‌التحصیل کرده‌اند و آنان میراث زمینیّه مورد علاقه خویش را تیمار داشته، اهمیت داده و بخش [های عمده‌ای] از آن را آشکار [و منتشر] ساخته‌اند. اما میراث علمی این چنین نبوده است».^۲ البته دست‌نویس‌های حوزه پزشکی و علوم وابسته نسبت به نسخه‌های ریاضی و نجوم از خوش‌اقبالی بیشتری برخوردار بوده‌اند. بنیاد همدرد (Hamdard Foundation) در دو مرکز خود در کراچی و دهلی به‌طور منظم به دست‌نویس‌های پزشکی و داروشناسی توجه دارد. هم‌چنین اخیراً آکادمی ابن سینا در کنار دانشکده علیگره افتتاح شد. این آکادمی نیز به پزشکی سنتی اسلامی می‌پردازد و به جمع‌آوری نسخه‌های خطی به‌ویژه نسخه‌های پزشکی اهتمامی ویژه دارد. مرکز «دائرة المعارف العثمانیه» در شهر حیدرآباد نیز در کنار علوم و معارف دیگر به دست‌نویس‌های علمی نیز نظر دارد و تاکنون آثار مهمی را همچون الحاوی فی الطب محمّد بن زکریای رازی و مجموعه تحریرهای خواجه نصیرالدین طوسی را به چاپ رسانده است. اما این همه در مقابل دریایی از دست‌نویس‌های مهم و منحصر به فرد علمی در شبه‌قاره تقریباً به چشم نمی‌آید. چرا که مجموعه‌های متعدّد نسخه‌های خطی در این منطقه آن‌چنان گسترده و پراکنده است که بیش از هر چیز شناسایی این مجموعه‌ها را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در این قسمت از مقاله گزارشی درباره شمار دست‌نویس‌های هند و پاکستان، فهرست‌نویسی آن‌ها و فهرست‌های منتشر شده تقدیم می‌کنم.

— گزارشی کوتاه در بارهٔ شمار دست‌نویس‌ها، فهرست‌نویسی در شبه‌قاره و فهرست‌های منتشر شده

بر اساس شواهد و مستندات که پس از این ذکر خواهد شد، به تخمین، نزدیک به چهارصد هزار نسخهٔ خطی اسلامی به زبان‌های عربی و فارسی در کتابخانه‌های خصوصی، عمومی و دولتی منطقهٔ شبه‌قاره موجود است. بر اساس همین مستندات بیش از یکصد هزار نسخه در پاکستان موجود است. اما از این میان کمتر از نیمی از آن‌ها فهرست شده است.

برای فهرست‌نگاری پیش از هر چیز لازم است آن‌ها را شناسایی کنیم. برای این شناسایی تاکنون چند بررسی منتشر شده است.

۱. در حوزهٔ پاکستان

جدیدترین و کامل‌ترین این بررسی‌ها برای کشور پاکستان اثری است که دکتر عارف نوشاهی تألیف و منتشر کرده است. در این اثر که عنوان آن کتاب‌شناسی توصیفی فهرست‌های نسخه‌های خطی پاکستان، است، کتاب‌شناسی کامل ۲۱۹ عنوان از فهرست‌های نسخه‌های خطی پاکستان اعم از فهرست‌های چند جلدی و مقاله‌ها، از ۴۳ مجموعه و کتابخانه در ۱۴ شهر پاکستان به همراه فهرست نمایشگاه‌ها، کتاب‌شناسی‌های منفرد و فهرست‌های مشترک آمده است. اما این اثر فقط به مجموعه‌هایی که فهرست شده است می‌پردازد. گرچه پیش از این نیز بررسی دیگری توسط آقای محمد سهیل عمر در ۱۹۸۹م در کتاب *World Survey of Islamic Manuscripts* منتشر شده بود که به همهٔ مجموعه‌های نسخه‌های خطی پاکستان، فهرست شده و فهرست نشده، می‌پرداخت، اما هنوز جای یک بررسی کامل و جامع که همهٔ مجموعه‌ها را به صورت تحقیق میدانی بررسی کند خالی است.

شمار عمده‌ای از مخطوطات پاکستان در حوزهٔ علوم است. در فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، تألیف آقای احمد منزوی بخشی به حوزهٔ علوم ریاضی و نجوم، و علوم غریبه اختصاص می‌دارد. در این بخش که در جلد یکم آن به چاپ رسیده است نزدیک به ۱۰۰۰ نسخه از ۴۵۷ اثر معرفی شده است. با نگاهی اجمالی متوجه می‌شویم که بیش از ۹۰ درصد این آثار آن‌هایی است که هنوز منتشر نشده است. از این میان نزدیک به ۱۲۰ نسخه از ۷۰ کتاب فقط در بخش فارسی

کتابخانه گنج‌بخش جای دارد و این‌ها همه مربوط به نسخه‌های فارسی است. آقای سید جمیل احمد رضوی نیز مقاله‌ای به زبان اردو تألیف کرده‌اند با عنوان «مخطوطات تقویم و ستاره‌شناسی (کتابیاتی جائزه)». این مقاله فهرست مشترک و الفبایی نسخه‌های خطی عربی و فارسی در موضوعات تقویم، نجوم، اسطرلاب و آلات فلکی است. این نسخه‌ها تنها نسخه‌های کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور، کتابخانه مولوی محمد شفیع در لاهور و کتابخانه عمومی پنجاب لاهور است و به نسخه‌های مجموعه‌های دیگر پاکستان توجهی نشده است. در این مقاله گزارش ۱۱۲ نسخه فارسی و ۳۲ نسخه عربی آمده است.^۳

فهرست مشترک دیگری برای نسخه‌های عربی پاکستان تألیف آقای احمد خان با عنوان فهرست المخطوطات العربية الاسلامية في باكستان توسط المنظمة الاسلامية للتربية والعلوم والثقافة - ایسیسکو، در رباط (۱۴۱۸هـ/ ۱۹۹۷م) در ۵۱۶ص (ج ۱) منتشر شده است. بخش‌هایی از این فهرست به حساب و مثلثات و علم الفلك اختصاص دارد. متأسفانه هنوز نتوانسته‌ام این فهرست را از نزدیک بررسی کنم. بدیهی است تا زمانی که همه مجموعه‌های پاکستان فهرست شود و بر آن اساس فهرست مشترک عربی تدوین نگردد نمی‌توان از همه دست‌نویس‌های ریاضی و نجومی این کشور بهره برد.

۲. در حوزه هندوستان

اما در هند وضع به گونه دیگری است. پهناوری این کشور و پراکندگی مجموعه‌های خطی کوچک و بزرگ دولتی و خصوصی در آن، در کنار جا به جایی مجموعه‌های خصوصی، آتش گرفتن آن‌ها، سیلاب و رطوبت فوق‌العاده، استفاده از آن‌ها را دشوار ساخته است.

با این حال تلاش‌های عمده‌ای برای شناسایی و فهرست‌نگاری این کتابخانه‌ها صورت گرفته است. نخستین کوشش نظام‌مند برای شناسایی مجموعه‌های هند و فهرست‌های آن کتاب بهارت بین مخطوطات کی فهرستین (هند)، اثر دکتر نوشاهی است. در این اثر کتاب‌شناسی توصیفی ۱۶۰ عنوان فهرست از حدود ۱۵۰ کتابخانه در ۴۰ شهر هند آمده است. این اثر در ۱۹۸۸م در لاهور چاپ شده است. دومین بررسی جامع، فصل «هند» است در کتاب بررسی جهانی دست‌نویس‌های اسلامی، تألیف ام.

اس. خان (لندن ۱۹۹۲م). در این اثر، کتاب‌شناسی توصیفی بیش از ۱۱۰ عنوان فهرست (در حدود ۲۰۰ جلد)، مربوط به ۵۰ کتابخانه بزرگ و کوچک در ۲۶ شهر آمده است. شمار دست‌نویس‌های شناسایی شده در این فهرست نیز نزدیک به ۱۵۰،۰۰۰ نسخه است.

دوازده سال بعد در بهار ۲۰۰۳ میلادی، آقای عمر خالدی، از اعضای علمی «برنامه آفاخان برای معماری اسلامی وابسته به مؤسسه فناوری ماسوجوست» (مشهور به ام. آی. تی)، بررسی مفصل‌تری به زبان انگلیسی منتشر کرد. این بررسی با نام "A Guide to Arabic, Persian, Turkish, and Urdu Manuscripts Libraries in India" در خبرنامه انجمن کتابداران مطالعات خاورمیانه (معروف به MELA Notes) شماره ۷۵ و ۷۶ در ۵۹ صفحه به چاپ رسیده است.

شیوه تنظیم این بررسی تقریباً مشابه شیوه بررسی ام. اس. خان است و در آن به ترتیب الفبایی نام ایالت‌ها، کتابخانه‌های هر ایالت را معرفی کرده است. در این اثر مشخصات ۸۱ کتابخانه آمده است، اما متأسفانه شمار نسخه‌های خطی فقط ۲۸ کتابخانه ذکر شده است. جمع نسخه‌های این ۲۸ کتابخانه، ۱۲۸،۷۸۶ نسخه است. مهم‌ترین آن‌ها عبارتست از:

- مجموعه ندوی در کتابخانه ناصریه لکهنو ۳۰،۰۰۰ نسخه
- مجموعه شرقی دانشگاه عثمانیه حیدرآباد ۲۳،۰۰۰ نسخه
- مجموعه شرقی خدابخش در پتنه ۲۱،۰۰۰ نسخه
- و مجموعه کتابخانه و موزه سالار جنگ حیدرآباد ۱۰،۰۰۰ نسخه

در این سه بررسی یعنی کتاب دکتر نوشاهی (که به ترتیب الفبای نام مؤلفان فهرست است) و ام. اس. خان و بررسی عمر خالدی نقص عمده‌ای به چشم می‌خورد و آن عدم ذکر مشخصات نسخه‌های خطی در «امام‌پاره»‌ها و مدرسه‌های دینی است. می‌دانیم که از مراکز مهم استکتاب و استنساخ همین مدرسه‌ها بوده است. با این حال در هر سه بررسی کمترین توجهی به این مسأله نشده است. اما این امر ارزش این سه کار، در آن بخشی که ذکر کرده‌اند چیزی نمی‌کاهد.

تا آن‌جا که می‌دانم تاکنون هیچ فهرست مختص به دست‌نویس‌های ریاضی و نجومی در هند به چاپ نرسیده است. از حدود یک سال پیش طرحی را برای فهرست مشترک دست‌نویس‌های مربوط به حوزه علوم (اعم از علوم ریاضی و نجومی و علوم

طبیعی) در هند، شخصاً پی گرفته‌ام. این فهرستگان به ترتیب زمانی / مؤلفی است یعنی براساس سال فوت مؤلفان و یا دوره حیات آنان تنظیم شده و ذیل نام هر مؤلف، کتاب‌های او به صورت الفبایی مرتب شده است. ذیل هر اثر نیز نسخه‌های آن به ترتیب تاریخ کتابت آمده است. این فهرستگان به صورت تفصیلی نیست بلکه در نسخه‌شناسی به مشخصات اولیه همچون شماره بازبانی نسخه، تاریخ کتابت، نام کاتب، محل کتابت نسخه و محل نگهداری آن با ارجاع به صفحه و جلد فهرست چاپ شده، اشاره دارد.

دامنه کار نیز فقط فهرست‌های چاپ شده است. آثار مؤلف ناشناخته نیز به ترتیب الفبایی در انتهای معرفی می‌شوند. تاکنون نزدیک به ۲۰۰۰ فیش / نسخه از حدود ۴۰ جلد فهرست استخراج شده است و امر استخراج همچنان به طور منظم ولی به آرامی به پیش می‌رود.

امید است با آماده شدن این طرح دورنمای روشن‌تری از دست‌نویس‌های علمی هند پیدا شود.

سخن پایانی

سخن‌نام را با ذکر این نکته به پایان می‌برم که گرچه تلاش‌های بسیاری برای حفظ میراث مشترک ایران و شبه‌قاره انجام شده است اما میزان کارهای انجام نشده در مقابل کارهای انجام شده بسیار است. شناسایی و حفظ و در دسترس دیگران قرار دادن این میراث مشترک وظیفه فرهیختگان ایران و شبه‌قاره است. جای خوشوقتی است که مرکز پژوهشی میراث مکتوب به شبه‌قاره هم توجه کرده است و قرار است شماری از نسخه‌های منتشر نشده این منطقه در رشته‌های مختلف، تصحیح و منتشر شود. وظیفه دانشوران هر دو مملکت است که به یاری این طرح بشتابند تا هرچه سریع‌تر شاهد دستاوردهای آن باشیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. به نقل از فؤاد سرگین، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۵، ترجمه فارسی، به کوشش احمد رضا رحیمی‌ریسه، تهران: خانه کتاب، زیر چاپ.
۲. رشدی راشد، ص ۱۹۳.

۲. با این مشخصات نشر شده است: در: مجله تحقین، نشریه کلیه علوم اسلامیة و ادبیات شرقیه، پنجاب یونیورسیتی، لاهور، ج ۳، ش ۱، [۱۹۸۰م]، ص ۴۷-۱.

کتاب‌شناسی منابع

الف. منابع فارسی و عربی

۱. راشد، رشدی، «میراث فکری و میراث متنی: دست‌نویس‌های عربی در باره علوم»، ترجمه سوسن سلیم‌زاده، نسخه پژوهی، به کوشش ابوالفضل حافظیان بابلی، دفتر یکم، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۲۲۳-۱۹۱.
۲. رحیمی‌ریسه، احمدرضا، گنجینه‌های دست‌نویس‌های اسلامی در هند، تهران، در دست آماده‌سازی، ترجمه و تلفیقی است با افزوده‌ها از بخش «هند» در بررسی جهانی دست‌نویس‌های اسلامی و گزارش عمر خالدی.
۳. سارتون، جورج، مقدمه بر تاریخ علم، جلد اول از هومر تا عمر خیام، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، دفتر ترویج علوم و وزارت علوم و آموزش عالی، ۱۳۵۳ ه.ش.
۴. سزگین، فواد، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۵ (ریاضیات)، ج ۶ (نجوم)، ج ۷ (احکام نجوم)، ترجمه فارسی به کوشش احمدرضا رحیمی‌ریسه، تهران، در دست آماده‌سازی و چاپ.
۵. منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۵-۱۳۶۲ ه.ش، ۱۴ ج.
۶. نوشاهی، عارف، بهارت مین مخطوطات کی فهرستین، لاهور، مغربی پاکستان اردو اکیدمی، ۱۹۸۸ م.
۷. _____، کتاب‌شناسی توصیفی فهرست‌های نسخه‌های خطی پاکستان و بنگلادش، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۳ ه.ش / ۱۴۲۵ ه.ق / ۲۰۰۴ م، ۱۲۸ ص.

ب. منابع اروپایی

1. Storey, Ch. A. *Persian Literature, A Bio-Bibliographical Survey*, Vol. 1-5, 1927-1994, London: Royal Asiatic Society.
2. Khalidi, Omar. "A Guide to Arabic, Persian, Turkish and Urdu Manuscript Libraries in India", in: *Mela Notes*, 75-76 (Fall 2002 - Spring 2003), 59pp.
3. Naushahi, Arif. "Some Primary Sources of Persian Medical Manuscripts in Pakistan and India", in: *La science dans le monde iranien à l'époque islamique*, Téhéran, IFRI, 1998, pp. 291-295.